

جهت خرید فایل word به سایت [www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com) مراجعه کنید  
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

کتاب مکتوبات  
السلام

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

# تحقیق زبان فارسی

دبیر مربوطه:

.....

گردآورنده:

....

...

.....

فهرست مطالب

عناوین

صفحه

پیش گفتار	۱
نگاه نخست به شادی در اسلام	۸
الف : شادی های نکوهیده	۸
ب : شادی های ستایش شده	۹
شادمانی از دیدگاه دانشمندان	۱۶
پاداش شادی آفرینان	۱۹
هنگامه های شادی	۲۲
شادی در سیره پیامبر و امامان معصوم «علیه السلام»	۲۵
مهمترین عوامل شادی	۳۷
شادی های ناروا	۴۶
آثار شادی های ناروا	۵۱
موانع شادی	۵۳
منابع و مأخذ	۵۸

و انه اضحک و ابکی<sup>۱</sup>

او است که می خنداند و می گریاند

خداوند خالق هستی است. همه زیبایی ها آفریده اوست. خنده نیز اثر او است. تبسمی که بر لبان شماس، آیه ای از آیات او است. تمام عوامل شادی از او نشأت گرفته اند؛ زیرا تمام هستی از اوست. جهان فقط زیبایی است. اصلاً خلقت برابر است با زیبایی. آنان که دنیا را پلشتی می پندارند یا خدا را نشناخته اند یا منظورشان دنیای بی خداست. دنیا، آیه خدا است. مگر آیه خدا میتواند زشت باشد؟! آیه یعنی نشانه خدائوند زیباست و زیبایی را دوست دارد.

«ان الله جمیل و یحب الجمال<sup>۲</sup>»

شادی چیست؟ آیا تاکنون از شما پرسیده اند: محبت چیست؟ عشق چیست؟ خوشبختی چیست؟

سؤال ها، این قدر ملموس اند که انگار پرسیدن ندارند. با این حال، صدها پاسخ از سوی دانشمندان به این سؤال ها داده شده است. شادی از اینگونه پرسش ها است. هر انسانی، شادی را تجربه نموده است. شادی مانند تنفس، غذا خوردن، حرف زدن و گریستن، از ضروری ترین نیازهای حیات انسانی است؛ گر چه برخی انسانها در استفاده از آنها دچار مشکلات می شوند. شادی، واکنش انسان در برابر «بیرون» است. اگر بیرون نباشد، شادی معنا ندارد؛ همانگونه که عشق ورزیدن و دوست یابی معنا ندارد. همه انسانها از برخی رخدادهای بیرونی، شاد می شوند و از برخی ناراحت. نمی توان شادی را عین «لذت» دانست. گاه بین این دو تمایز وجود دارد. برخی لذتها شادی آورند و برخی شادیها موجب لذت اند. روح نیز خسته می شود گاهی تن شاداب است و روح خسته. گاهی به عکس است؛ تن، خسته است و روح شاد. برخی، بدنی سالم دارند؛ اما روحی افسرده را حمل می کنند. برخی نیز تنی رنجور دارند، ولی روحی با نشاط به زندگی بخشیده اند، آیا ندیده اید کشاورزی را که پس از رنج نشا در شالیزار، با لبخندی به زیبایی آن چه نظاره می کند روان خویش را آرام می سازد؟

گاهی جسم و روح، هر دو خسته اند. این جاست که پای استراحت روح به میان می آید. هنگامه خستگی روح و روان، باید سراغ حکمتهای شادی آور رفت؛ همان گونه که امام علی، علیه السلام فرمود:

«ان هذه القلوب تمل کما تمل الا بدن فابتغوا لها طرائف الحکمه<sup>۳</sup>»

انسان باید در همه کارهای خود تعادل را برقرار سازد. کار زیاد، بدن را خسته می کند و روح را در فشار قرار می دهد. لذتهای حلال در اینگونه لحظات، فریاد رس هر انسان باورمند به آخرت است. برخی، تن خسته خویش را با هر خوشی، به کامیابی می رسانند؛ اما دین باوران تنها از لذتهای حلال برای سامان بخشی به قلبهای خسته و رهایی از بند مشکلات استفاده می کنند. برخی فقط در اندیشه ثروت اند و برخی فقط در اندیشه راز و نیاز با خدا. برخی از هر دو چشم پوشیده اند. شماری اندک نیز به دنبال هر دو هستند. شماری هم علاوه بر آن دو، لذتهای حلال را به سفره زندگی خویش اضافه کرده اند.

پیشوای پرهیزکاران، امام علی «علیه السلام» فرمود:

«للمون ثلاث ساعات: فساعة یباجی فیها ربه و ساعه یرم معاشه و ساعه یخلی بین نفسه و بین لذتها فیما یحل و یجمل<sup>۴</sup>»

۱ - سورة نجم (۵۳) آیه ۴۳.

۲ - بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، دار احیاء، ۱۴۰۳ ق، چاپ سوم، ج ۸۳، ص ۱۸۵.

۳ - نهج البلاغه، فیض الاسلام، حکمت ۱۸۸.

۴ - همان، شماره ۳۸۲.

بخشی برای لذتهای حلال و روا»

انبساط و انقباض ماده را در کتابهای درسی خوانده اید. مواد بر اثر گرما، منبسط می شوند و بر اثر سرما، منقبض. گرما مولکولهای مواد را از یکدیگر جدا می سازد و سرما آنها را به یکدیگر نزدیک. از این رو، مواد بر اثر گرما حجم بیشتری پیدا می کنند و بر اثر سرما حجم کمتری.

آیا روح هم انبساط و انقباض دارد؟ آری، روح ها هم گاه منبسط و منقبض می شوند. در برخی حالات، ظرف روح چنان تنگ می شود که هیچ ذره ای را پذیرا نمی شود، چه رسد به محبت نیایش. گاه برخی روح ها چنان گسترده می شوند که پذیرای تمام نیکی ها می گردند.

آیا تاکنون دیده اید افرادی را که تاب تحمل خویش را هم ندارند؛ چه رسد به دیگران؟ حتما شنیده اید یا خوانده اید که جوانی بر اثر شکست در امتحانات کنکور، خواستگاری، ازدواج، مسابقه فوتبال تیم مورد علاقه اش، ورشکستگی و ... خود کشی کرده است! آنان که تاب تحمل «خود» را ندارند، به «خود» کشی متوسل می شوند. پایان راه انقباض روح، خودکشی است. برخی در میانه این راه قرار دارند. بیاییم برگردیم و روح خویش را منبسط کنیم. راههای انبساط روح، فراوان است. یکی از این راهها شادمانی است.

امام علی «علیه السلام» فرمود:

«السرور یبسط النفس»

شادی، سبب انبساط روح است.

شادی، انواع مختلفی دارد. برخی با شادی دیگران شادند و برخی با غم دیگران. برخی با همه شادند مرزی ندارند، حلال و حرام نمی شناسند، شادی را هر چه باشد می پسندند، شادی با هر که و هر چه برایشان گوارا است؛ می گویند شادی، شادی است، خوراک روح است، انبساط روح است، اساس زندگی است، هر چه باشد. اینان به عمق شادی راه پیدا نکرده اند، گمان می کنند روح خویش را انبساط داده اند. زندگی زیباست؛ اما زندگی. برخی مرده اند و لذت می برند. آنان که با تمسخر و اذیت و آزار دیگران شادند، روح شادی را نیافته اند؛ تنها علامت لبخند بر لب دارند؛ مرده ای خنده بر لب اند.

برخی آدمها برکه ای اند، برخی اقیانوسی، آنان که شادی را به هر قیمتی می خواهند مانند ماهیان گرفتار در برکه ای خردند و آنان که شادی های ناب را می جویند ماهیانی اند که در اقیانوس عشق صفا می کنند. برخی خیال می کنند که در اقیانوس اند، توهم می کنند چنین اند. بر فرض بپذیریم اقیانوسی اند، اما دریغ که اقیانوسی به عمق برکه دارند که گاه هوای نفس کشیدن نیز ندارند.

بیاییم شادی های روا را فراموش نکنیم. بیاییم از پیشرفت دیگران خوشحال شویم و از بیماری شان ناراحت. از شکست دیگران نخندیم و بر پیروزی شان نگریم. شادی هایی روح را گسترده می کنند که پاک باشند. مگر شادی هم پاک و ناپاک دارد؟ آری، شادیهای حرام، ناپاک اند و شادی هال حلال، پاک.

چرا برخی از رنج دیگران لذت می برند و از لذت دیگران در رنج اند؟ رمز و راز این مسئله در چیست؟ یک کلام، ظرفیت روح ها متفاوت است. برخی دور روح خویش پرچین کشیده اند و جز خود پرچین نشینی ندارند. برخی نیز پرچین ها را شکسته، هر درنده ای را به درون خویش راه می دهند، برخی نیز که اندک اند پرچینی دارند که تنها خدا را به داخل آن راه داده اند. مرحبا به این افراد. اینان روح آسمانی دارند و در اقیانوسی به عمق بی نهایت شنا می کنند.

می توان شادی کرد و ثواب برد. بهشت، پاداش کارهای نیک است؛ گریه از ترس قیامت یا شاد کردن یتیمی گرسنه. گریه در عزای امام حسین «علیه السلام» ثواب دارد، نشانادن لبخندی بر لب همسر نیز ثواب دارد. بهشت تنها در گرو گریه نیست. مگر ثواب شادی های حلال را نشنیده یا نخوانده اید؟! بیایم گرد گناه نگردیم، آب را گل نکنیم، چشمهایمان را بشویم و جور دیگر بنگریم. بیایم باورهای مان بازشناسی کنیم.

گاه بر اثر مشکلات زندگی، روح ها گرفته می شوند. شادی باعث باز شدن روح هاست. لبخندزدن به سیمای شوهر، شادی حلال و ثواب آور است، روح را زنده می کند. تشویق دیگران، شادی آور است. مسافرت سبب شادی است. راههای حلال برای بدست آوردن شادی فراوان است. شادی های پاک سبب گسترش روح می شود، روح را از گرفتگی نجات می دهد و نشاط عبادت به آدمی می بخشد. شادی های ناپاک گر چه لحظه های روان نا آرام را آرام می سازند ولی عوارض زیان باری برای روح آدمی دارند؛ همانگونه که خوردن شیرینی برای بیماری که قند خونش بالاست لحظه ای شادی آفرین است و سرانجام مرگ آوری در پی دارد.

شادی از طریق گناه، لحظه ای کام را سیراب می سازد؛ اما دریغ از فردای آن، پیامدهای گناه را در دنیا و آخرت بنگرید. چه بسا پولهای حرامی که خرج بیمارستان می شوند. چه بسا حرامهایی که در آخرت به آتش تبدیل و به حلقوم گناهکار ریخته می شوند. شادی را پاس بداریم. خدای شادی آفرین را حرمت نهیم؛ همان خدایی که زن را آفرید تا مرد آرام گیرد، مرزی برای شادی ن دو در شب عروسی شان تعیین کرده است. برخی با این بهانه که شب عروسی فقط یک شب است، هر گناهی را در آن روا می دانند؛ حتی رقصیدن زنان و مردان نیمه برهنه و نامحرم را. نمی گوئیم در شب عروسی نباید جشن گرفت، بلکه می گوئیم باید شادی کرد، ولی به چه قیمتی؟! برخی همه شادی ها را حق انسان می دانند و اصلاً مرزی برای شادی نمی شناسند. اذیت و آزار دیگران، ضرر رساندن به جسم و روح خود، حلال و حرام، رعایت قانون و شرح، آثار سوء برخی شادی ها و غیره را اصلاً باور ندارند. در نگاه آنان، با گناه نیز میتوان شاد بود، با هر ناحقی می توان شاد بود؛ زیرا شادی، حق و ناحق و حلال و حرام نمی شناسد. سرانجام شادی با گناه، دوزخ است.

قرآن درباره یکی از علت های گرفتاری دوزخیان می فرماید:

«ذلکم بما کنتم تفرحون فی الارض بغير الحق»<sup>۱</sup>

این بدان علت است که به ناحق در روی زمین شادی کردید.

نگاه نخست به شادی در اسلام

در نگاه نخست به شادی در اسلام با دو رویکرد کاملاً متفاوت با هم روبرو می شویم؛ از یک سو شادی نکوهیده و از سوی دیگر مدح شده است. اکنون هر دو دسته آیات و روایات را در نکوهش و مدح شادی می آوریم، سپس به جمع بندی آنها می پردازیم.

**الف: شادی های نکوهیده**

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

برخدا آسان است، تا بر آن چه از دست شما رفته، اندوهگین نشوید و به آن چه به شما داده، شادمانی نکنید و خدا هیچ خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد.

آخر آیه والله لا حیب کل مختار فخور نشانگر آن است که اسلام با شادی برخاسته از خودپسندی و فخرفروشی مخالف است، نه همه شادیها.

در برخی از روایات نیز از عوامل شادی آفرین مانند شوخی، نهی شده است. در شماری از روایات، خنده و شوخی، سبب بی محبتی، هلاکت، نابودی ارزش انسان، نابودی قلب، عدم دست یافتن به ایمان صریح، کینه، نابودی عقل، زبونی، دشمنی، از بین رفتن نور ایمان، کم رنگ شدن جوانمردی و مردانگی، از بین رفتن هیبت مرد و جسارت دیگران برای توهین و نشانه نادانی و کم خردی دانسته شده است!

در روایت آمده است: حضرت محمد (ص) به امام علی «علیه السلام» فرمود:

یا علی! لا تمزح فیذهب بهاؤک<sup>۱</sup>

علی، شوخی نکن تا سبب شود ارزش تو از بین برود.

آخر روایت فیذهب بهاؤک نشانگر آن است که اسلام با شوخی های از بین برنده ارزش افراد مخالف است، نه همه شوخی ها.

**ب: شادی های ستایش شده**

خداوند در قرآن می فرماید: وانه اضحک و ابکی<sup>۲</sup>

اوست که می خنداند و می گریاند

نیز می فرماید: قل بفضل الله و برحمته فبذلک فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون<sup>۳</sup>

بگو به فضل خدا و به رحمتش، به اینها باید شاد شوند، این از هر چه جمع می کنند بهتر است.

نیز می فرماید: فوقاهم الله شر ذلک الیوم و لقاہم نضره و سروراً<sup>۴</sup>

پس خدا آنان را از شر آن روز حفظ کرد و خوشرویی و خوشحالی به آنان داد.

نیز می فرماید: و ینقلب الی أهله مسروراً<sup>۵</sup>

و خوشحال نزد خانواده اش باز می گردد.

روایات فراوانی در مدح شادی وجود دارد از جمله:

امام علی «علیه السلام» می فرماید: شادی، انبساط خاطر و نشاط می ورد و غم گرفتگی خاطر و دلگیری

نیز فرمود: کسی که شادی اش کم باشد، آسایش او در مردن است.

امام صادق «علیه السلام» فرمود: شادی سه خصلت است: وفاداری، رعایت حقوق و ایستادگی در برابر سختی های زمانه

امام علی «علیه السلام» فرمود:

اوقات شادی، غنیمت است.

۱ - بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، دار احیاء، ۱۰۳ ق، چاپ سوم، ج ۷۶ ص ۶۱.

۲ - همان، ج ۷۷، ص ۴۸

۳ - سورة نجم (۵۳) آیه ۴۳.

۴ - سورة یونس (۱۰) آیه ۵۸.

۵ - سورة انسان (۷۶) آیه ۱۱.

۶ - سورة انشقاق (۸۴) آیه ۹.

بهره مند نشده ام:

اما بعد، آدمی گاه برای دست یافتن به چیزی شاد می شود که در هر حال به آن می رسد و برای نرسیدن به چیزی اندوهگین می شود که هرگز به آن نمی رسد. پس شادی تو در جایی باشد که به امری از امور آخرت دست یابی و اندوهت آن جا باشد که امری از امور آن را از دست دهی.

امام علی «علیه السلام» فرمود:

شادی تو بیشتر به خاطر کار خیری باشد که انجام داده ای و اندوهت بیشتر برای کار خیری که از دست داده ای.  
نیز فرمود:

شادی مؤمن آن گاه است که پروردگارش را اطاعت کند و اندوهش آنگاه که گناه کند.  
نیز فرمود:

ریشه خرد، توانمندی است و میوه آن، شادی.  
نیز فرمود:

سوگند به آن که همه آواها را می شنود، هیچ کس دلی را شادمان نسازد مگر آنکه خداوند از آن شادمانی لطفی بیافریند و بدان گاه که گرفتاری و مصیبتی بدو رسد آن لطف هم چون آبی که در نشیب روان گردد به سوی آن مصیبت و گرفتاری سرازیر شود و آن را از وی دور گرداند، هم چنان که شتر غریبه از میان رمه شتران رانده می شود.  
امام صادق «علیه السلام» فرمود:

هر که به فریاد برادر مؤمن غمزده و تنگدستش برسد و اندوهش را بزدايد و در روا شدن حاجتش او را کمک کند به خاطر این کار نزد خداوند هفتاد و دو رحمت الهی منظور شود که یکی از آنها را در همین دنیا برای بهبود وضع معیشتش به او دهد و هفتاد و یک رحمت دیگر را برای هول و هراس های روز قیامتش ذخیره کند.  
حضرت محمد (ص) فرمود:

همانا در بهشت، سرایی است به نام خانه شادمانی که تنها کسانی به آن در آیند که یتیمان مؤمنان را شاد کنند.  
نیز فرمود: همانا در بهشت سرایی است که تنها کسانی به آن در آیند که کودکان را شاد کنند.

نیز فرمود: هر که مؤمنی را شاد کند مرا شاد کرده است و هر که مرا شاد کند از خداوند زنهاری گرفته باشد و هر که از خدا زنهاری گیرد روز قیامت در امان است.  
امام صادق «علیه السلام» فرمود:

هیچ یک از شما فکر نکند که اگر مؤمنی را شاد کند فقط او را شادمان ساخته، بلکه به خدا قسم ما را شاد کرده، بلکه به خدا قسم رسول خدا را شاد کرده است.

نیز فرمود: به خدا سوگند، هر گاه حاجت مؤمن برآورده شود، از برآورده شدن آن، رسول خدا (ص) شادتر گردد تا خود آن مؤمن.

هر که مؤمنی را شاد سازد، مرا شاد ساخته و هر که مرا شاد کند خدا را شاد کرده است.

امام صادق «علیه السلام» فرمود: هر مسلمانی که به مسلمانی برخورد کند و او را شاد سازد خدای عز و جل او را شاد گرداند.  
نیز فرمود:



است و چنین است هر که به مؤمنی اندوهی رساند.

در روایت آمده است:

مردی از هل ری می گوید: یکی از دبیران یحیی بن خالد فرمانروای با شد. من مقداری بدهکار بودم و او آنها را از من مطالبه کرد. به من گفته شد که او خود را به این مذهب منتسب کرده است. من تصمیم گرفتم به سوی خدای تعالی بگریزم. حج رفتم و خدمت سرور صابرم موسی بن جعفر «علیه السلام» مشرف شدم و از وضعیت خود نزد آن بزرگوار درد دل کردم. آن حضرت نوشته ای همراهم کرد که در آن نوشته شده بود: به نام خداوند بخشنده مهربان. بدان که زیر عرش خدا سایه ای است که تنها آن کس در آن بیارمد که به برادرش نیکی کند، یا غمی از او بزدايد، یا دلش را شاد گرداند و این شخص برادر توست، والسلام.

او می گوید: از حج برگشتم... و نامه آن حضرت را به او دادم. او ایستاد و آن را بوسید و خواند. سپس دستور داد اموال و جامه های او را آوردند و آنها را میان من و خودش دینار دینار و درهم درهم و قطعه قطعه لباس تقسیم کرد و آن چه را که قابل تقسیم نبود پولش را به من داد.

آنگاه دیوان را خواست و هر چه به نام من ثبت بود حذف کرد و گواهی عدم بدهکاری به من داد. من با او خداحافظی کردم و رفتم.

با خودم گفتم: نمی توانم خوبی این مرد را جبران کنم؛ مگر آن که در سال آینده به حج روم و برایش دعا کنم و حضرت صابر را ملاقات نمایم و رفتار آن مرد را به عرض ایشان برسانم. این کار را کردم و سرور صابرم «علیه السلام» را دیدار کردم و همانطور که ماجرا را برای ایشان تعریف می کردم، چهره آن حضرت از شادی می شکفت. عرض کردم: سرورم! ایا این کار شما را خوشحال کرد؟ فرمود: آری به خدا قسم، مرا خوشحال کرده و امیرالمؤمنین «علیه السلام» را نیز شاد کرده. به خدا قسم، جدم رسول خدا را شاد کرده، به خدا قسم که خدای تعالی را شاد کرده است.

امام رضا «علیه السلام» فرمود:

هر که گره از کار مؤمنی بگشاید خداوند در روز قیامت گره غم از دل او بگشاید.

حضرت محمد (ص) فرمود:

هر که اندوهی از اندوهای دنیا را از برادر مؤمن خود بزدايد، خداوند هفتاد اندوه از اندوهای آخرت را از او بزدايد.

امام رضا «علیه السلام» فرمود:

هر که غمی از غمهای دنیا را از دل مؤمنی برطرف سازد خداوند غمی از غمهای آخرت را از دلش بزدايد.

امام صادق «علیه السلام» فرمود: هر که غمی از مؤمنی بزدايد، خداوند اندوهای آخرت را از او برطرف سازد و از گورش خنک دل بیرون آید.

نیز فرمود: هنگامی که خداوند، مؤمن را از گورش درآورد تمثالی با او خارج شود که در جلوی او راه میرود و هر گاه مؤمن یکی از صحنه های هراس انگیز روز قیامت را ببیند آن تمثال به او می گوید: نترس و غم به خود راه مده. مومن به او می گوید تو کیستی؟ تمثال می گوید: من همان شادی و سروری هستم که به برادر مؤمنت رساندی.

نیز فرمود: هر مؤمنی که گرفتاری مؤمن تنگدستی را رفع کند، خداوند حوائج او را در دنیا و آخرت آسان (و برآورده) سازد.

شادمانی از دیدگاه دانشمندان

هیچ مالی چون تندرستی نیست و هی نعمتی چون دلخوشی و شاد زیستن.  
ارسطو:

شادمانی عبارت است از پروراندن و نشو و نما دادن عالی ترین صفات و خصایص انسانی  
شکسپیر:

شادمانی در خانه ای است که مهر و محبت در آن مسکن دارد.  
بودا:

اشک های دیگران را به نگاههای پر از شادی تبدیل کردن، بهترین خوشبختی هاست.  
کنفوسیوس:

سه شادی مایه خوشبختی و سه شادی دیگر مایه بدختی است:

شادی از تسلط بر نفس به وسیله تربیت و هنر؛ شادی از گفتگو درباره فضایل دیگران و شادی از دوست داشتن دوستان لایق و نیک سیرت مایه نیک بختی بوده، سودبخش است؛ اما شادی از مال و جاه و شادی از تنبلی و سرگردانی و شادی از شکم پرستی زیان بار بوده، مایه بدبختی است.

آندره گیدک: انسان به وسیله برآوردن تمایلات خود نمی تواند به نشاط و شادمانی برسد، بلکه در صورتی میتواند به آن سرچشمه راه یابد که پای بر تمایلات بگذارد.

پوشه: جهان ایینه ای است که شما را آن گونه که هستید جلوه می دهد؛ اگر بخندید، خندانان می نمایند و اگر با چهره ناخوش بدان بنگرید، او نیز چهره خود را عبوس و اندوهگین می سازد. به گوش دل بخوانید که همیشه از شادی دیگران شاد می شوید. گزارش جهان هر چه باشد، تو همیشه خندان باش تا جهانت خندان نماید.

اسمایلز: دنیا متعلق به کسانی است که از آن استفاده کرده و لذت می برند و مردم مسرور و شادمان صاحبان و مالکان حقیقی آن به شمار می روند.

دیل کارنگی: افتادید، بسیار خوب، چه خواهد شد؟ با چهره بشاش برخیزید، در افتادن ضرری متصور نیست، بدبختی در عجز و درماندگی است.

بوریس ساخلوف: نشاط و شادمانی درمانی است که طبیعت به رایگان برای مداوای ما در اختیارمان گذارده است.

دکتر جانسون: سرور خوشحالی یا حزن و ملامت شخص بسته به میل و اراده خود اوست.

دیکنز: هر قدر می توانی شاد زندگی کن و هرگز فکر بیهوده به مغز راه نده؛ چون سلامتی تباه می شود.

آنا تول فرانس: خنده طبیعی، فریاد موتور نیرومند بدن است... بهترین اسلحه جنگ با زندگی است.

وینه: اندوه، مرگ روح است و خنده و شادی، زندگی و حیات آن.

حافظ: با دل خونین لب خونین بیاور همچو جام

نی گرت زخمی رسد چون جنگ آبی در خروش

نظامی:

نه از بهر غم کرده اند این سرای

جهان از پی شادی و دلخوشی است

نه از بهر بیداد محنت کشی است

نباید به خود بر ستم داشتن

نباید به خود درد و غم داشتن

بیا تا نشینیم و شادی کنیم

دمی در جهان یک قبادی کنیم

دلی را که سرمایه زندگی است

به تلخی سپردن نه فرخندگی است!

پاداش شادی آفرینان

در رفتار انسانها، تساوی در کیفر و پاداش، اصلی پایدار از آغاز خلقت تا کنون بوده است. نظام قضایی ادیان آسمانی نیز بر اساس این اصل، کیفرها را مقرر کرده است. چشم در برابر چشم، آیین قضایی یهود، مسیحیت و اسلام است. اما کیفر در سرای دیگر حسابی دیگر دارد از این رو، کیفر برخی گناهان در آخرت چنان است که فاصله بین بی نهایت منفی تا بی نهایت مثبت را به تصویر می کشد چرا؟ شاید یک دلیلش، عامل بازدارندگی باشد. یعنی همان عاملی که برای کیفرهای دنیوی بیان می شود. عامل دیگر این است که دنیا تاب کیفر را ندارد. به عبارت دیگر، کیفر هر گناهی فقط در آخرت ادا می شود. دلیل دیگر این است که انسان آفریده شده تا در دنیا عمل کند و در آخرت، کیفر و پاداش ببیند.

نظام پاداش های الهی در دنیا و آخرت نیز اینگونه است؛ یعنی اصل تساوی بر آن حاکم نیست. چرا؟ دلایل مختلفی برای این مسئله وجود دارد. محدودیت دنیا، نخستین عامل است دنیا نمی تواند پاداش برخی نیکی ها را بدهد به عنوان مثال، پاداش مادر را در این دنیا کدام فرزند می تواند ادا نماید؟! بنابراین حصار دنیا و بی کرانگی آخرت، از عوامل تفاوت در نظام پاداش های الهی است. دلیل دیگر، تفاوت های بنیادین اعمال انسانها است. معمولاً نظام کمیت بر اعمال انسانها حاکم است؛ از جمله در سزاهای آنان. با یک مثال، به تبیین موضوع می پردازیم. فرض کنید شما در کویری سوزان گرفتار شده اید و هر لحظه بیم آن می رود که از تشنگی بمیرید. در این زمان، فردی از راه برسد و با یک قمقمه آب شما را از مرگ نجات دهد حال پاداش او چه خواهد بود؟ آیا شما اگر او را به شهر خود دعوت کنید و یک قمقمه آب به او بدهید پاداش او را داده اید؟ اگر هزاران قمقمه آب هم به او بدهید، پاداش او را نداده اید. اگر دهها میلیون تومان هم به او بدهید باز هم نتوانسته اید عمل او را جبران نمایید؛ زیرا او شما را از مرگ نجات داد و شما اندکی از دارایی خود را به او داده اید. اصلاً هر پاداشی به او بدهید، برابر با عمل او نخواهد بود؛ جز اینکه او را از مرگ نجات دهید، راه دیگری برای جبران نیکی او ندارید.

سیطره کمیت بر اکثر رفتارهای انسانها حاکم است. با این حال، همواره انسانها به تفاوت بنیادین در چگونگی رفتارها اهمیت داده اند. با یک مثال، به تبیین موضوع می پردازیم. فرض کنید زلزله ای در شهرستانی رخ داده و انسانهایی را بی خانمان نموده است. معمولاً انسان ها در چنین مواقعی به کمک یکدیگر می شتابند. ممکن است فردی که تمام دارایی اش دو میلیون تومان است، یک میلیون تومان به زلزله زده ها کمک کند. فرد دیگری که میلیاردی است نیز یک میلیون تومان به آنان کمک می کند.

هر دو به یک اندازه حمد کرده اند؛ اما یک نفر بیمی از دارایی خود را داده و دیگری  $\frac{1000}{1000}$  آن را. آیا هر دو به یک اندازه

ایثار کرده اند؟ بدیهی است که همه انسانها بین این دو ایثار فرق می گذارند.

انگیزه های انسانها در رفتارهایشان نیز بسیار مهم است. فرض کنید در شهر شما افراد محرومی در محله ای زندگی می کنند که نیاز شدید به کمک مالی دارند. در این هنگام دو نفر به یاری آنان می آیند. یکی پنهانی، نیمه های شب، غذا برای آنان می برد و دیگری، در حضور عکاسان و خبرنگاران. آیا عمل این دو نفر را می توان برابر دانست؟! یکی به انگیزه رضای خدا به محرومان کمک می کند و دیگری به انگیزه ریا و خودنمایی

بنابراین نمی توان در این دنیا، پاداش همه نیکی ها را داد. برخی نیکی ها فقط در آخرت پاداش داده می شوند. شاد کردن بندگان مؤمن خدا از این دست نیکی ها است. از این رو، در روایت آمده است:

خدا به داود «علیه السلام» وحی کرد: بنده ای از بندگانم عمل نیکی برایم می آورد و من بهشت را ارزانی او می کنم. داود «علیه السلام» گفت: خدایا آن عمل نیک چیست؟

خدا گفت: شاد کردن بنده مومن من، گر چه با دادن یک دانه خرما باشد.

هنگامه های شادی

۱- پیروی از پروردگار

«سرور المؤمن بطاعه ربه»<sup>۱</sup>

شادی مؤمن به پیروی از پروردگارش است.

۲- پذیرفته شدن نماز و روزه

امام علی «علیه السلام» به مناسبت عید فطر فرمود:

«انما هو عید لمن قبل الله صیامه و شکر قیامه»<sup>۲</sup>

این عید، عید کسی است که خداوند روزه و نمازش را پذیرفته است.

۳- ترک گناه

امام علی «علیه السلام» فرمود:

کل یوم لا یعصى الله فیه فهو عید

هر روزی که در آن نافرمانی خدا نشود، عید است.

۴- انجام کارهای خیر

امام علی «علیه السلام» فرمود:

شادی ات را برای کارهای خیری که برای آخرت فرستاده ای زیاد کن.

در روایت آمده است:

مردی با خوشحالی نزد امام جواد «علیه السلام» آمد. امام جواد «علیه السلام» از او پرسید: علت خوشحالی ات چیست؟ او

جواب داد: از پدرت شنیدم که فرمود: بهترین روزی که سزااست بنده خدا شاد باشد، روزی است که در آن توفیق یافته است

۱ - میزان الحکمه (همراه با ترجمه فارسی)، محمد محمدی ری شهری، حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۳، چاپ چهارم، ج ۴، ۴۳۷.

۲ - نهج البلاغه، حکمت ۴۲۸.

امام جواد «علیه السلام» فرمود به جانم سوگند تو سزاوار این خوشحالی هستی<sup>۱</sup>.  
۵- وفاداری

امام صادق «علیه السلام» فرمود: شادی در سه خصلت است: وفاداری و ...

۶- احترام به حقوق دیگران

امام صادق «علیه السلام» فرمود: شادی در سه خصلت است ... و احترام به حقوق دیگران.

۷- مقاومت در برابر سختی ها

امام صادق «علیه السلام» فرمود: «شادی در سه خصلت است: ... و مقاومت در برابر سختی ها»

۸- احیای حق

امام علی «علیه السلام» فرمود: شادی تو باید برای احیای حق ... باشد<sup>۲</sup>

۹- نابودی باطل

امام علی «علیه السلام» فرمود: شادی تو باید برای نابودی باطل باشد<sup>۳</sup>.

۱۰- بخشیده شدن گناهان

امام علی «علیه السلام» فرمود: عید برای کسی است که بداند گناهانش بخشیده شده است<sup>۴</sup>.

۱۱- انجام کار برای آخرت

امام علی «علیه السلام» فرمود: شادی ات برای کارهایی باشد که برای آخرت خود انجام داده ای.

۱۲- دیدار

حضرت محمد (ص) به امام علی «علیه السلام» فرمود: علی! مؤمن در دنیا سه جا باید خوشحال باشد: دیدار برادران و ...

۱۳- افطار

حضرت محمد (ص) به امام علی «علیه السلام» فرمود: علی! مؤمن در دنیا در سه هنگام باید خوشحال باشد: ... و افطار روزه.

۱۴- شب زنده داری

حضرت محمد (ص) به امام علی «علیه السلام» فرمود: ای علی! مؤمن در دنیا در سه جا باید خوشحال باشد: ... و شب زنده

داری در پایان شب

۱۵- ارتباط با خدا

امام صادق «علیه السلام» فرمود: خدا به حضرت داود «علیه السلام» وحی کرد: داود! به وسیله ارتباط با من، شادی کن و از

یاد من لذت ببر<sup>۵</sup>.

شادی در سیره پیامبر و امامان معصوم «علیه السلام»

پیامبر اسلام (ص) پیامبر مهربانی است. سیره آن حضرت، نشانگر عشق او به مردم است. حضرت محمد (ص) غم ها را از

دلها می زدود و مهربانی در دلها می کاشت. او نسیم محبت در بیابانهای جاهلیت بود. در روایت آمده است:

۱ - شیعه در پیشگاه قرآن و اهل بیت، ص ۲۶۱.

۲ - وافی، فیض کاشانی، اصفهان، مکتب الامام امیرالمؤمنین علی، ۱۳۷۰، ج ۸، ص ۸۸۲.

۳ - همان.

۴ - نهج البلاغه، نامه ۶۶.

۵ - امالی، صدوق، ص ۱۱۸.

نیز فرمود: همانا من شوخی می کنم و اهل مزاح هستم اما حرف باطل و بیهوده نمی گویم<sup>۲</sup>.  
در روایت آمده است:

روزی مردی خدمت پیامبر (ص) آمد و هدیه ای به آن حضرت تقدیم کرد؛ اما هنگام رفتن به آن حضرت گفت: پول هدیه مرا  
بده! رسول خدا خندید و از آن روز هرگاه اندوهگین می شد می فرمود:

«کجاست آن اعرابی؟ ای کاش الان نزد ما بود و ما را می خندانید<sup>۳</sup>».

پیرزنی خدمت آن حضرت آمد عرض کرد: یا رسول الله! دعا کنید من وارد بهشت شوم. پیامبر اسلام (ص) فرمود: پیرزنان  
وارد بهشت نمی شوند! او به شدت اندوهگین شد؛ اما آن حضرت به وی فرمود:

تو در آن روز پیر نخواهی بود؛ بلکه با اراده الهی، بار دیگر جوان و به صورت دوشیزه خواهی شد<sup>۴</sup>.

دیگر معصومان «علیه السلام» نیز چنین شیوه ای داشته اند؛ به گونه ای که گاه مورد انتقاد سخت دلان و سست عنصران در  
عرصه دین باوری قرار می گرفتند<sup>۵</sup>.

امام صادق «علیه السلام» به یونس شبیانی، از اصحاب خود فرمود: شوخی شما اصحاب، با یکدیگر چقدر است؟  
او گفت: اندک

امام فرمود: «اینگونه نباشید. شوخ بودن از حسن خلق است. همانا بدین وسیله شادی در قلب برادر خود داخل می کنید؛  
همانگونه که رسول خدا (ص) اهل شوخی بود تا شادی در قلب اصحاب وارد کند.»

در سخنان پیشوایان معصوم «علیه السلام» شاد کردن مومن از با فضیلت ترین کارها دانسته شده است. نه تنها معصومان خود  
چنین روشی داشتند بلکه دیگران را نیز به آن تشویق می کردند<sup>۶</sup>.

در سخنان معصومان «علیه السلام» شوخی دین باوران، «عبادت» و خنده آنان «تسبیح الهی» بیان گردیده و برای کسی که  
مسلمانی را شادمان سازد پاداش فراوانی نوید داده شده است.

در روایت، سیمای مومنان، این گونه توصیف گردیده است: «چهره آنان نوعی گشایش، انبساط و روشنی دارد و قلب شان  
لبریز از شادی و شور و شمع است.

امام علی، امام حسین و امام کاظم «علیه السلام» مؤمنان را به شتاب در شادمانی دنیا و آخرت دعوت کرده اند.

امام صادق «علیه السلام» عید را این چنین توصیف می کند:

همانا این روز، روز عید فرح و شادمانی است.

در اینجا به گوشه ای از برنامه های معصومان «علیه السلام» در روزهای شادی، اشاره می کنیم:

۱- تکبیر

حضرت محمد (ص) فرمود: «اعیادتان را به الله اکبر گفتن زینت کنید»

۱- بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، دار احیاء، ۱۴۰۳ ق، چاپ سوم، ج ۷۷، ص ۱۵۴-۱۵۵.  
۲- همان، ج ۱۶، ص ۲۹۸.  
۳- میزان الحکمه، (همراه با ترجمه فارسی)، محمد محمدی ری شهری، حمیدرضا شیخی، ج ۹، ص ۱۴۱.  
۴- همان، ج ۴، ص ۱۴۱.  
۵- نهج البلاغه، خطبه ۸۴.  
۶- بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، دار احیاء، ۱۴۰۳ ق، چاپ سوم، ج ۷۴، ص ۳۱۶.

فرمود.

۲- پوشیدن لباس پاکیزه

امام صادق «علیه السلام» فرمود: «لازم است شخص مؤمن در روز غدیر، پاکیزه ترین و مناسبترین لباس خود را بپوشد»

امام رضا «علیه السلام» دربارهٔ روز غدیر فرمود:

«این روز، روز کندن لباس سیاه و پوشیدن لباس مناسب است.»

امام صادق «علیه السلام» فرمود: هنگامی که عید نوروز فرا رسد، غسل کن و پاکیزه ترین لباسهایت را بر تن کن و به خوشبوترین عطرها خود را معطر کن و در این روز روزه داشته باش.

۳- تبسم و لبخند

امام رضا «علیه السلام» فرمود: «روز غدیر، روز تبسم مؤمنین است، کسی که در این روز به روی برادر مؤمن، تبسم کند، خداوند در روز قیامت نظر رحمت بر او می افکند.»

۴- تبریک گفتن

تبریک و تهنیت گفتن از برجسته ترین آداب هر عیدی است و در اسلام نیز سنت تبریک و تهنیت در مناسبتهایی مانند عید غدیر، جایگاه ویژه ای دارد.

پیامبر اکرم (ص) بر تبریک گفتن، در چنین روزی، تأکید می ورزید و به مردم می فرمود: «هنثونی؛ به من تبریک بگویید! به من تبریک بگویید»

۵- بروز دادن شادی

علی «علیه السلام» فرمود: «در برخوردارهاتان، شادی را آشکار کنید.»

۶- دعا و روزه

«شیخ طوسی» روایت کرده است که توقیعی به دست «قاسم بن علای همدانی» وکیل امام حسن عسکری «علیه السلام» رسید که روز سوم شعبان، سالروز ولادت امام حسین «علیه السلام» روزه بدارد و این دعا را بخواند:

نیز در در دهم رجب، سالروز تولد امام جواد «علیه السلام» به دعای مخصوصی سفارش شده است.

۷- نماز

از اعمال اعیاد اسلامی، «نماز و عبادت» است. در روز جمعه، نماز جمعه، عید فطر و عید قربان، نماز مخصوص عید و در عید غدیر نماز مخصوص سفارش شده است.<sup>۱</sup>

۸- عطر زدن

از جمله سنتهای پسندیده که همیشه مطلوب است، خصوصاً در ایام عید و شادی، «عطر زدن» است.

امام صادق «علیه السلام» فرمود:

«پیامبر (ص) برای عطر بیش از طعام بها می داد و بیشتر پولش را خرج آن می کرد»

امام صادق «علیه السلام» فرمود:

۱- بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، داراحیاء، ۱۴۰۳، چاپ سوم، ج ۹۵، ص ۳۰۱.  
۲- مفاتیح الجنان

ام سلمه می گوید: در شب عروسی حضرت زهرا «علیه السلام» به آن حضرت عرض کردم: آیا نزد شما بوی خوشی یافت می شود که برای خود ذخیره کرده باشی؟ آن حضرت فرمود: اری، سپس شیشه عطری را آورد و مقداری را از آن به کف دستم ریخت. آن چنان بوی خوش داشت که هرگز نظیرش را نیافته بودم.

۹- اطعام

«فیاض بن محمد طوسی» می گوید: در یکی از سالها، روز عید غدیر به حضور امام رضا «علیه السلام» شرفیاب شدم، دیدم گروهی در خدمت آن حضرت هستند، آن حضرت آنان را برای افطار در خانه اش نگاه داشت و به خانه های آنان نیز غذا، لباس و انگشتر و کفش فرستاد.

مرحوم علامه مجلسی می نویسد: در یکی از سالها که روز عید غدیر مصادف شده بود با روز جمعه، علی «علیه السلام» بعد از نماز جمعه با فرزندان و گروهی از شیعیان به منزل امام حسن «علیه السلام» جهت اطعامی که حضرت بدین مناسبت برایشان تدارک دیده بود رفتند.

۱۰- انفاق

یکی از برنامه های اعیاد اسلامی، کمک به نیازمندان است: مثلاً در عید فطر با زکات فطره، در عید قربان با دادن گوشت قربانی و در سایر اعیاد با صدقات.

علی «علیه السلام» فرمود: زکات فطره خود را پردازید، زیرا زکات فطره سنت پیامبر و فریضه واجب الهی است.

۱۱- زینت کردن

علامه طباطبایی در ذیل آیه (... خذوا زینتکم عند کل مسجد...) می فرماید:

«زینت برای مسجد، زینت و زیبایی است که هنگام حضور در مسجد مناسب است انجام شود که به طور طبیعی ابتدا برای نماز و طواف است و از اطلاق آیه استفاده می شود که در تمام نمازهای عید و جماعت های یومیه و سایر عبادات، مناسب و مطلوب است.»

۱۲- خرید در جمعه

حضرت محمد (ص) فرمود

برای خانواده هایتان در هر جمعه مقداری میوه و گوشت خریداری نمایید تا در روز جمعه خوشحال شوند.

۱۳- صله دادن

از سنت های معصومان در ایام شادی، صله دادن است. در اینجا به چند نمونه از آنها اشاره می شود:

در جریان ولایتعهدی امام رضا «علیه السلام» شاعران هر کدان به نوبت اظهار شادی نموده و اشعاری را که در مناقب امام رضا «علیه السلام» سروده بودند، در مجلس خواندند. «ابونواس» خود را به امام رضا «علیه السلام» رسانید و سلام کرد و جواب شنید و عرض کرد: یا رسول الله (ص) چند بیتی سروده ام و دوست دارم که آنها را از من بشنوید. اما اجازه داد. ابونواس شروع به خواندن اشعار خود کرد.

امام رضا «علیه السلام» رو به غلام خود نمود و فرمود: «آیا نزد تو از مخارج چیزی مانده است» عرض کرد بلی سیصد دینار. آن حضرت فرمود: آن را به ابونواس بده و شاید او این مبلغ را کم بشمارد، لذا این اسب را هم برای او بفرست»



وی عرض کرد: ای پسر پیامبر! من قصیده ای گفته ام و با خود عهد کرده ام که پیش از این که برای شما بخوانم برای دیگران آن را نخوانم. آن حضرت به او دستور داد بنشیند تا این مجلس خلوت شد. آنگاه فرمود: قصیده ات را بخوان.  
«دعبل» چون از خواندن اشعار خود فارغ شد، آن حضرت برخاست و سپس به وسیله خادم خود ششصد دینار فرستاد و از کمی آن عذر خواست

در زمان خلافت «عبد الملک مروان»، پسرش «هشام» به حج رفت و در حال طواف به حجر الاسود رسید و خواست استلام حجر کند اما از کثرت جمعیت نتوانست و کسی هم به او اعتنایی نکرد. در این هنگام امام سجاد «علیه السلام» در حالی که طواف می کرد به حجرالاسود رسید. مردم به ملاحظه هیبت و جلالت آن حضرت، از حجرالاسود دور شدند تا آن حضرت استلام کند. هشام از ملاحظه این صحنه غضبناک شد. مردی از اهل شام چون این عظمت و جلالت را مشاهده کرد، از هشام پرسید: این شخص کیست که مردم به او این چنین احترام می گذارند؟ هشام برای این که اهل شام آن جناب را نشناسند، گفت من او را نمی شناسم!

«فرزدق شاعر» در آن جا حاضر بود، گفت من او را خواب می شناسم. مرد شامی گفت: یا ابافراس! او کیست؟ فرزدق گفت: «این کسی است که مکه گامهایش را می شناسد، خانه خدا و حل و حرم او را می شناسد. هر زمانی که قریش او را ببینند می گویند:

این فرزند بهترین بندگان خداست، ویژگی ها و نیکی های اخلاقی و بزرگواری او به نهایت خود می رسد.»

هشام خشمگین شد و دستور داد او را حبس کنند وقتی خبر به حضرت علی بن الحسین «علیه السلام» رسید، آن حضرت دوازده هزار درهم برای فرزدق فرستاد و از او معذرت خواست که اگر بیش تر داشتیم صله بیشتری می دادم. فرزدق آن مال را رد کرد و پیغام داد: من این شعر را به خاطر صله نگفته ام بلکه به جهت خدا و رسول (ص) گفتم. آن حضرت دوباره آن مال را برای او فرستاد و پیغام داد که به حق من قبول کن و فرزدق قبول نمود.

کمیت بن زید اسدی، شاعر شیعی، زمان امام سجاد «علیه السلام» و امام باقر «علیه السلام» شرفیاب شد و اشعار خود را برای آن حضرت خواند. امام باقر «علیه السلام» فرمود: ای کمیت! اگر نزد من مالی بود تو را صله می دادم، لکن از برای توست آن عبارتی که رسول خدا (ص) به حسابن به ثابت فرمود:

همیشه مؤید باشی به روح القدس، به جهت دفاع و حمایت از اهل بیت.

در روایت دیگری آمده است که «صاعد»، مولای کمیت، گفت: با کمیت خدمت امام باقر «علیه السلام» رفتم و کمیت قصیده ای را در مدح اهل بیت «علیه السلام» ایراد کرد آن حضرت فرمود:

«خدایا! کمیت را بیمارز. خدایا کمیت را بیمارز»

سپس آن حضرت هزار دنیا و مقداری لباس به او بخشید. کمیت پول را قبول نکرد ولی جامه را به جهت تبرک و تیمن قبول کرد.

۱۴- ولیمه

یکی از سنتهای اسلامی در شادی ها، «سنت ولیمه» است.

پیامبر اسلام (ص) فرمود:

خانه خدا

۱۵- توسعه زندگی

در روز عید غدیر، علی «علیه السلام» خطاب به افراید که در مسجد کوفه حاضر بودند فرمود:  
خدا شما را رحمت کند! به خانه هایتان بروید و خانواده های خود را شاد کنید.

امام رضا «علیه السلام» فرمود: «خداوند کسی را که روز عید غدیر، بر عیال خود توسعه دهد، رحمت می کند و او را از آتش دوزخ دور می گرداند.»

۱۶- گردهمایی

گردهمایی یکی از اعمال و آداب روزهای عید است.

علی «علیه السلام» فرمود:

« در روز عید غدیر، گردهم آید تا خداوند امورتان را از نابسامانی و پراکندگی برهاند.»

۱۷- هدیه دادن

یکی از سنتهای نیکو در اعیاد اسلامی، هدیه دادن است.

امام رضا «علیه السلام» فرمود :

در روز عید غدیر. بر برادرانت بخشش کن

۱۸- نیکی

نیکی یکی دیگر از آداب اعیاد اسلامی است.

علی «علیه السلام» فرمود:

به یکدیگر نیکی کنید که خداوند الفت میان شما را پایدار سازد و نیکی در این روز موجب افزایش مال و عمر می شود.

امام صادق «علیه السلام» فرمود :

«در روز غدیر به برادران ایمانی ات بسیار نیکی کن»

۱۹- بازدید

بازدید یکی از آداب روزهای عید و روزهای شادی است. این سنت مردم را شادابتر و نام و یاد عید را در دل و ذهنشان ریشه دارتر می کند و در روایات مورد توجه قرار گرفته است.<sup>۲</sup>

مهمترین عوامل شادی عبارت است از :

۱- راضی بودن به قضای الهی

یکی از راههای عمده ایجاد شادی و رفع غم و اندوه، رضایت و خشنودی به قضا و قدر الهی است که در سخت ترین شرایط مددکار آدمی می شود و حوادث چاره ناپذیر را قابل تحمل می کند. مقصود از رضا، ترک اعتراض به مقدرات الهی در ظاهر و باطن، به زبان و عمل است.

علی «علیه السلام» فرمود : «به قضای خدا خشنود باش تا شاد و راحت زندگی کنی»<sup>۳</sup>

۱ - اقبال، سیدین طاووس، ص ۷۵.

۲ - غم و شادی در سیره معصومان، محمود اکبری، قم، صفحه نکار، ۱۳۸۰، چاپ اول، ص ۷۹-۹۰.

۳ - بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، داراحیاء، ۱۴۰۳ ق، چاپ سوم، ج ۷۱، ص ۱۹۵.

امام صادق «علیه السلام» فرمود :

بدانید که بنده ای از بندگان خدا به او ایمان نیاورده است تا زمانی که راضی شود از خدا در آنچه خداوند انجام داده به آنچه دوست دارد یا کراهت دارد.

نیز فرمود : بالاترین مرتبه طاعت خداوند رضا و خشنودی به افعال الهی است در آن چه بنده دوست دارد یا دوست ندارد.

۲- پرهیز از غم روزی فردا

از جمله عواملی که به انسان آرامش می دهد و در شادزیستن، نقش زیادی دارد این است که بدانی تمام دارایی ما در حال حاضر است، صرفنظر از آن چه دیروز رخ داده و یا آن چه در فردا ممکن است روی دهد به عبارت دیگر: «دیروز گذشته ، فردا نیامده، پس امروز غنیمت است.»

علی «علیه السلام» فرمود : غم و اندوه را که نیامده بر روی که در آن هستی، میفزا، چرا که اگر عمر تو باقی باشد روزی تو را خداوند در آن روز می دهد و اگر نباشد پس اندوه برای چیست؟

۳- گره گشایی

پیامبر اکرم (ص) فرمود: کسی که حاجت برادر مؤمن خود را برآورد. چنان است که در تمام روزگار خدای را عبادت کرده باشد.

پیامبر اکرم (ص) فرمود : کسی که مشکل مؤمنان را حل نماید. خداوند ۷۲ مشکل و گرفتاری را از گرفتاریهای آخرت و ۷۲ گرفتاری از گرفتاریهای دنیای او را برطرف می نماید که کمترین آنها مغفرت و بخشش است.

امام صادق «علیه السلام» فرمود : هر مؤمنی، گرفتاری مؤمنی را برطرف نماید، خداوند نیازهای او را در دنیا و آخرت آسان می گرداند.

«مؤمن ، راهی را برای رفع حاجت برای مؤمن اش طی نمی کند مگر این که خداوند برای هر قدمش، حسنه ای می نویسد و گناهی را از او برطرف می نماید و برای هر قدم او درجه ای به وی دهد و علاوه بر آنها ده حسنه دیگر به او داده و حاجت او را برطرف می نماید.»

نیز فرمود : «از بهترین اعمال نزد خداوند، شاد کردن مؤمن به رفع گرسنگی و رفع گرفتاری یا ادای بدهی اوست»

۴- گشاده رویی

یکی از عوامل و زمینه های نشاط و شادی، خصوصاً در بعد اجتماعی، گشاده رویی است.

امام صادق «علیه السلام» فرمود : «لبخند مرد در برادر دینی اش حسنه و ثواب است»

مردی نزد رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد : مرا نصیحت کن! آن حضرت فرمود: «برادرت را با چهره گشاده دیدار کن»

حضرت محمد (ص) فرمود : «ای پسران عبدالمطلب! شما نمی توانید با اموال خود دل همه مردم را بدست آورید. پس با روی گشاده و برخورد نیکو چنین کنید.»<sup>۳</sup>

امام علی «علیه السلام» درباره ویژگی مؤمن می فرماید: شخص مومن شادی اش در رخسار و حزن و اندوهش در قلبش می باشد.

۱ - همان، ص ۵۸۳.

۲ - بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، داراحیاء، ۱۴۰۳ ق ، چاپ سوم، ج ۷۴ ، ص ۱۷۱.

۳ - اصول کافی، ابوجعفر محمد کلینی، تهران، نشر فرهنگ اهل بیت، ۱۳۴۸ ، ج ۳ ، ص ۱۶۱.

ویژگیها برای انسان چونان نور آفتاب برای گیاهان است؛ همانگونه که خورشید جان تازه به گیاه می دهد، روی گشاده، خوی شیرین و گفتار فرح بخش، نوعی سرخوشی، نشاط و سلامت به همراه داشته، افراد را جوان، زنده دل و سرحال نگه می دارد. پروردگار بزرگ، ویژگی رسول خدا، حضرت محمد (ص) را «نرمی و مهربانی» دانسته و «سنگ دلی و خشن بودن» را مایهٔ پراکندگی اطرافیان می داند (فبما رحمه من الله لنت لهو ولو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك) <sup>۱</sup> و در سخنی دیگر دین باوران را به گفتار نیک و پسندیده دعوت می کند: (قولوا للناس حسناً) <sup>۲</sup>

امام علی «علیه السلام» تندخویی و عصبانیت را نوعی جنون و دیوانگی دانسته <sup>۳</sup> و دوستان مؤمن و خالص خود را به اخلاق خوش و گفتار صمیمی در نشست و برخاستها دعوت <sup>۴</sup> می کند.

امام صادق «علیه السلام» «تبسم و لبخند انسان در چهرهٔ برادر دینی اش را حسنه» دانسته <sup>۵</sup> و در پاسخ به سؤال یکی از اصحاب دربارهٔ حسن خلق فرمود:

«فروتنی کن، خوش خلق باش و با برادرت با خوشرویی برخورد نما» <sup>۶</sup>

بی شک، چنین ویژگی های والا موجب گردید که پروردگار حکیم پیامبر خود را ستوده و او را دارای «خلق عظیم» بداند (انک لعلی خلق عظیم) <sup>۷</sup>

روانشناسان و جامعه شناسان بر این باورند که رفتار آرام و باوقار، چهرهٔ متبسم و شاد و گفتار زیبا و دلنشین باعث نهایت شادی در زندگی خواهد شد، همانگونه که چهرهٔ عبوس و غمزده، خشم و غضب و عصبانیت، خودخوری و آشفتگی روحی موجب کوتاهی عمر، فرسودگی روحی و تباهی شخصیت شده، طعم گوارای زندگی را تلخ و ره آوردهای آن را غمبار می سازد. خوشرویی فواید و برکات زیادی دارد. در این جا به چند نمونه از آنها اشاره میشود.

الف: جذب دیگران

با خوشرویی میتوان به عنوان یک روش مؤثر، دیگران را به اسلام و تعالیم اسلامی جذب نمود. این روش از چنان اثر شگرفی برخوردار می باشد که حتی معصیت کاران و گناهکاران را نیز می توان جذب نمود. تنها در مواقع خاصی باید از ترش رویی و بی اعتنائی علیه گناهکاران استفاده نمود. مسلمان که باید بیشتر برخوردهایش با افراد باید با جاذبه های اخلاقی از جمله خوشرویی و خوش زبانی همراه باشد.

ب: رفع کینه ها

خوشرویی رابطه های گسیخته را پیوند می دهد و کینه و کدورت های موجود بین افراد را از بین می برد.

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«گشاده رویی کینه را از دل می زداید»

ج: آشنایی و دوست یابی

۱ - سوره آل عمران (۳) آیه ۱۵۹.  
۲ - سوره بقره (۲) آیه ۸۳.  
۳ - نهج البلاغه، حکمت ۲۵۵.  
۴ - همان، خطبه ۱۱۸.  
۵ - اصول کافی، ابوجعفر محمدکلیبی، تهران، نشر فرهنگ اهل بیت، ۱۳۴۸، ج ۲، ص ۱۸۸.  
۶ - همان، ص ۱۰۳.  
۷ - سوره قلم (۶۸) آیه ۴.

دوستان مناسبی انتخاب و موجبات تداوم و استواری رفاقتها را فراهم نمود.

علی «علیه السلام» فرمود :

«خوشرویی ، وسیله دوست یابی است.»

خوشرویی با دیگران، این امکان را می دهد که بدون هراس، انسانها باب آشنایی با یکدیگر را باز کنند و سفره دلشان را نزد هم بگشایند.

۵- شوخی

شوخی یکی از نیازهای روحی انسان است. روح مانند جسم، به واسطه فعالیتهای روزمره و ناملایمات و فشارهای روحی، خسته می شود. برای زدودن کسالت و ملالت و به دست آوردن نشاط روحی، شوخی لازم است.

پیامبر اکرم (ص) فرمود :

«مومن شوخ و زنده دل است و منافق سخت و غضبناک»

امام صادق «علیه السلام» فرمود :

«مؤمنی نیست مگر اینکه دعابه دارد. راوی می گوید : به آن حضرت عرض کردم دعاب چیست؟ فرمود: مقصود. شوخی است»

«امام صادق «علیه السلام» بسیار شوخ طبع و خندان بود»

امام صادق «علیه السلام» به «یونس شیبانی» که از اصحاب و یاران او بود، فرمود : «شوخی شما اصحاب با یکدیگر چه مقدار است؟»

او عرض کرد: کم است ، حضرت فرمود:

«اینگونه نباشید. به درستی که شوخ طبعی از حسن خلق است و همانا شما بدین وسیله برادر خود را شاد می کنید؛ همانگونه که رسول خدا (ص) اهل شوخی و مزاح بود تا سرور و شادی را در قلب اصحاب ایجاد کند»<sup>۱</sup>.

حضرت محمد (ص) اگر یکی از اصحابش را غمگین می یافت، او را با شوخی شادمان می ساخت<sup>۲</sup>.

هنگامی که پیامبر اکرم (ص) محزون بود دیگران او را شاد می کردند. روزی آن حضرت به شدت ناراحت بود، ناگهان عربی از راه رسید که می خواست سؤالی از حضرت بپرسد اصحاب گفتند : رسول اکرم امروز به شدت ناراحت است. مرد عرب گفت: به خدا قسم، تا او تبسم نکند رهایش نمی کنم. نزد حضرت آمد و گفت: شنیده ام که دجال هنگام ظهور مقداری آب گوشت برای مردم می آورد و مردم از گرسنگی در معرض هلاکت هستند. آیا اگر او را دیدم از آن غذا نخورم تا بمیرم. یا آن قدر بخورم که سیر شوم بعد به خدا ایمان آورم و از دجال بیزای جویم، پیامبر (ص) چندان خدید که دندانهایش نمایان شد و فرمود: خداوند مؤمنین را از دجال بی نیاز می کند.

تاریخ زندگی پیامبر (ص) و امامان «علیه السلام» نشان می دهد که آنها در مواردی با مؤمنان شوخی می کردند و به این وسیله آنها را شاد می نمودند. در این جا به چند نمونه اشاره می کنیم:

۱ - کافی، ابوجعفر محمدکلینی، تهران، نشر فرهنگ اهل بیت، ۱۳۴۸، ج ۳، ص ۱۶۲.  
۲ - بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، دارالاحیاء، ۱۴۰۳، ق، چاپ سوم، ج ۱۷، ص ۳۲.  
۳ - اصول کافی، ابوجعفر محمد کلینی، تهران، نشر فرهنگ اهل بیت، ۱۳۴۸، ج ۲، ص ۶۶۳.  
۴ - سنن النبی، محمدحسین طباطبائی، تهران، اسلامیة، ۱۳۶۲، چاپ دوم، ص ۶۰.

زن گفت: نه در چشم شوهرم سفیدی نیست.

سپس آن زن بی تابانه نزد شوهر خود آمد و سخن پیامبر اسلام (ص) را به شوهرش گفت.

شوهر به همسرش گفت: «آیا نمی بینی که سفیدی چشمم بیشتر از سیاهی است!»

حضرت محمد (ص) به پیرزنی فرمود: «پیرزن وارد بهشت نمی شود»

آن پیرزن گریه کرد. پیامبر اسلام (ص) خندید و به او گفت: «آیا نشنیده ای که خداوند می فرماید:

«ما آنها را آفرینش نوینی بخشیدیم، و همه را دوشیزه قرار دادیم»<sup>۱</sup>

۳- پیرزنی بر اثر پیری دندانهایش افتاده بود. پیامبر (ص) او را دید و فرمود: «پیرزن بی دندان به بهشت نمی رود»

پیرزن گریه کرد. پیامبر (ص) به او فرمود: «چرا گریه می کنی؟»

او عرض کرد: «ای رسول خدا! من بی دندان هستم»

پیامبر (ص) خندید و فرمود:

تو با این حال وارد بهشت نمی شوی<sup>۳</sup> (بلکه به صورت جوانی کامل وارد بهشت میشوی).

شادی های ناروا

درنگاه نخست، چنین به ذهن می آید که شادی هیچ مرزی را نمی شناسد؛ مانند نفس کشیدن است و لازمه زیستن. مرده، نمی

خندد و نمی گرید زندگی هر انسانی با گریه او و خنده پدر و مادر و بستگانش آغاز گرد؛ اما مرگش با گریه آنان، و چه

زیباست که پایان عمرش با خنده اش همراه باشد. انسان ها دو گونه اند، زمینی و آسمانی

منظور این نیست که برخی به زمین می نگرند و در پی کسب و کار و لذت بردن از هستی اند و برخی تنها نگاه و دست های

خویش را به آسمان دوخته اند و ذکر به لب دارند.

از نگاه اسلام، آنان که به زمین چشم دوخته اند و گنج های زمین را، برای دست یابی به کسب عدل، استخراج می کنند و

فلاح (کشاورزی)، پیشه آنان است، سرانجام رستگار خواهند شد؛ زیرا آسمانی بودن به معنای نگاه آسمانی داشتن است؛ نه

غفلت از زمین و آیه های خداوند بر آن.

زندگی، شروع می شود و پایان می پذیرد؛ اما در نگاه زمینیان، آسمانی زندگی، آغاز دارد و پایان نه

از نگاه تمام ادیان آسمانی، آن هنگام که قلب از حرکت باز می ایستد، روح سفر آسمانی اش را به سرزمین و پهناوری پاک آغاز

می کند.

اعتقاد به جهان آخرت در آموزه های تمام ادیان آسمانی وجود دارد؛ بلکه در فطرت همه انسانها.

بنابراین، دو جهان داریم: جهان نخست و جهان آخرت

جهان نخست، همان است که در آن می کاریم و جهان آخرت همان است که در آن درو میکنیم: «الدنيا مزرعه الاخره»

از نگاه برخی، این جهان، مادی است و آن جهان نادیده، معنوی؛ اما از نگاه اسلام، هر دو جهان معنوی است؛ البته برای

افرادی که آسمانی می اندیشند. مگر می شود خداوند، ذره ای از آفریده هایش را خرج دنیای فانی کند! او دریای مهربانی است،

پس همه هستی را برای آخرت مانا آفریده است: آخرت، فقط نماز و روزه و گریه نیست شادی و لبخند نیز میتواند آن جهانی

۱ - بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، داراحیاء، ۱۴۰۳ ق، چاپ سوم، ج ۱۶، ص ۱۹۴.

۲ - همان، ص ۱۹۵.

۳ - همان، ص ۲۹۸.

مرزهای خداوند، مرزهای معنویت است، مرزهای پاک زیست است، و چه سخت است پاک زیستن.  
از این رو، در روایات آمده که در پایان زندگی، همه انسان ها باید از پل صراط که از مو باریکتر است بگذرند. فلسفه باریکی این پل چیست؟ آیا خداوند نمی توانست عرض آن را زیاد کند؟!  
باریکی پل صراط، نشانه باریکی پل سالم زیستن در این دنیا است.

اصلاً تمام این دنیا، پل صراط است؛ مگر میتوان در آن پاک زیست ولی از مرزهای خداوند عبور کرد؟! تشخیص راه های درست و نادرست، آن قدر مشکل است که گاه پلی به باریکی تار مویی را فرا روی چشمهای انسان قرار میدهد. گاهی مرزها آن قدر نزدیک به هم است که شناسایی راه را دشوار می سازد مرز بین حق و باطل در این دنیا هم به باریکی یک تار مو است.  
پس مرزهای خداوند را بشناسیم و از آنها عبور نکنیم. مرزهای خداوند در شادی چیست؟ آیا شادی مانند نفس کشیدن نیست؟ نفس کشیدن، مرز نمی شناسد، پس چرا شادی مرز داشته باشد؟ زیستن در این دنیا، لازمه اش تنفس، غذا خوردن، نوشیدن، بوییدن بهار، لمس زیبایی ها آفریده های خداوند و عشق ورزیدن است. آیا مرزی برای آنها هست؟  
آری، حتی نفس کشیدن هم مرز دارد. ارتداد، مرز نفس کشیدن است. مسلمانی که از «خدا» رد شود، «مرتد» است و حق نفس کشیدن ندارد. مرزها را بشناسیم و پاس بداریم. خوردن، لازمه زنده بودن است؛ اما سم را به بهانه گرسنگی باید خورد؟! سم، مرز خوردن است، مرزی که خدا در نهاد انسان نهاده است.

آنان که می گویند انسان از تمام مرزها آزاد است که بگذرد و هیچ دینی حق ندارد او را در چهار چوب قرار دهد، به پیماد سخن خویش نمی اندیشند. مگر می شود زیست و مرزی را شناخت. آیا آنان که به آزادی مطلق می اندیشند، مرزهای زمینی را باور دارند؟ آیا قانون را می پذیرند؟ اگر مرزی در رانندگی نباشد، چه پیش می آید؟ اگر قوانین راهنمایی و رانندگی را به رسمیت نشناسیم، چه پیش می آید؟ اگر مرزهای زیستن را رعایت نکنیم خود را به آتش بیفکنیم، میتوانیم به زندگی ادامه دهیم؟! پس آتش مرز زیستن است، برآستی چرا آنان که طرفدار آزادی مطلقند خود را به آتش نمی افکنند؟! بنابراین، همه انسان ها، مرز دارند؛ اما مرزها متفاوت است. برخی مرزها فقط برای زیستن است و برخی برای پاک زیستن.

شادی نیز مرزهایی دارد که مهمترین آن، عبور نکردن از قوانین «خدا» است.  
پیش تر گفتیم که شادی مانند نفس کشیدن، غذا خوردن، محبت و عشق است. پس چگونه ممکن است شادی ناروا باشد؟! مگر ممکن است نفس کشیدن ناروا باشد، غذا خوردن ناروا باشد، محبت ناروا باشد، عشق ناروا باشد؟! آری، همه اینها ممکن است ناروا باشد! تعجب نکنید لحظه ای بیندیشید.

آیا نفس کشیدن در برابر گازهای سمی کشنده روا است؟! آیا خوردن سم روا است؟! آیا محبت به ستمگر روا است؟! آیا عشق ورزیدن به شیطان روا است؟!  
شادی های ناروا عبارت اند از :

۱- شادی از لغزش دیگران

امام علی «علیه السلام» فرمود :

« از لغزش دیگران خوشحال نشو، زیرا نمی دانی در آینده زمانه با توجه خواهد کرد.»

۲- شادی برای گناه

امام علی «علیه السلام» فرمود :

۳- شادی برای تمسخر آیات الهی

خداوند در قرآن در نکوهش شادی فرعون و طرفدارانش می فرماید :  
« زمانی که حضرت موسی (ع) آیات ما را بر آنان عرضه کرد، به او خندیدند»

۴- شادی برای تمسخر مومنان

قرآن کریم در نکوهش شادی برای تمسخر مومنان می فرماید :  
« بدکاران به مومنان می خندند»

جالب این جاست که در قیامت، مومنان به کافران می خندند :  
« امروز مومنان به کافران می خندند.»

در روایت آمده است :

« در قیامت، دری از بهشت به روی کافران باز می شود. کافران به خیال این که از جهنم رهایی یافته اند به سوی آن حرکت می کنند؛ اما پیش از آنکه به آن برسند در بسته شود. این کار چندین بار تکرار می شود. مؤمنان که در بهشت به آنان می نگرند، به آنان می خندند.»

۵- شادی در برابر افراد محزون

امام حسن عسکری (ع) فرمود :

« شادی در برابر محزون، از ادب به دور است .»

۶- خندانیدن مردم با دروغ

حضرت محمد (ص) فرمود :

« وای بر کسی که دروغ می گوید تا مردم را بخنداند! وای بر او! وای بر او! وای بر او! »

۷- شادی در سرپیچی از جهاد

قرآن درباره آنان که در سرپیچی از جهاد خوشحال بودند، می فرماید :

« آنان که از جهاد سرپیچی کرده اند، از مخالفت با رسول خدا خوشحال شدند و کراحت داشتند که با اموال و جان های خود در راه خدا جهاد کنند [ به مومنان] گفتند: در این گرما کوچ نکنید [ به جنگ نروید]. به آنان بگوئید : آتش جهنم گرمتر است؛ اگر میدانستند. پس آنان باید کم تر بخندند و بسیار بگریند. این سزای کارهایی است که انجام می دهند.»

آثار شادی های ناروا

شادی های ناروا ، آثار زیانباری دارند. از جمله :

۱- جنگ و دعوا

شادی های مستانه و افراطی، گاهی موجب تنش و برخورد با دیگران می شود و در نتیجه به جنگ و دعوا می کشد  
علی «علیه السلام» فرمود : « چه بسا خوشی و شادی که به جنگ و دعوا منتهی می شود.»

معمولاً در شادی های افراطی و ناروا حرکاتی انجام می شود که آزادی، آسایش و امنیت دیگران را به خطر می اندازد.

۲- ذلت و رسوایی

بعضی از شادی ها به جهت توأم بودن با فساد و گناه، سرانجام به ذلت و رسوایی شخص می انجامد



« کسی که از گناهان و معاصی، لذت ببرد، خداوند او را ذلیل خواهد کرد.»

۳- هلاکت و سقوط

یکی از سنت های الهی این است که هرگاه جامعه ای به خوشگذرانی، عیاشی و تن پروری روی آورد، دیر یا زود، سقوط خواهد کرد.

به همین جهت است که قرآن مجید وقتی از سقوط ملت ها سخن می گوید از این واقعیت تحت عناوین مترفین، فاسقین و غیره یاد می کند :

« ما چون اهل دیاری را بخواهیم به [ کیفر گناه] هلاک سازیم، پیشوایان و متغمان آن شهر را امر کنیم [ به طاعت لیکن آنان]. راه فسق و تبهکاری و ظلم در آن دیار پیش گیرند [ و مردم به راه آنها میروند] آنگاه تنبیه و عقاب ما تحقق خواهد یافت آنگاه همه را [ به جرم بدکاری] هلاک سازیم. »

نیز می فرماید :

«چه بسیار شده ما اهل دیاری را که به هوسرانی و خوشگذرانی پرداختند هلاک کردیم. این خانه های ویران آنان است که بعد از آنها جز عده قلیلی در آن سکونت نیافت و ما خود وارث آنانیم»

۴- عذاب الهی

حضرت محمد (ص) فرمود : « کسی که گناه کند در حالی که می خندد، در قیامت داخل آتش جهنم می شود، در حالی که گریان است.»

موانع شادی

موانع شادی عبارت اند از :

۱- دنیا پرستی

میل و رغبت بی اندازه به مظاهر دنیا و دنیا طلبی، یکی از زمینه های حزن و اندوه است. پیامبر اکرم (ص) فرمود :

« رغبت و میل افراطی به دنیا، غم و اندوه را زیاد می کند و زهد و بی رغبتی به دنیا، موجب راحتی قلب و بدن می شود.»

امام صادق «علیه السلام» فرمود :

« هر کس دلش به دنیا تعلق داشته باشد به سه خصلت گرفتار می شود : اندوهی که از میان نرود، آرزویی که به آن نرسد و

امیدی که به دست نیاید.»

۲- تنگدستی

یکی از عوامل حزن و اندوه « تنگدستی » است.

علی «علیه السلام» فرمود :

« تنگدستی سبب خواری نفس و حیرانی عقل و جلب کننده اندوه ها است؛ اما با تدبیر باید کاری کرد تا چنین غم هایی را از

خود دور کرد.»

۳- ثروت

ساز به حساب آمده است.

علی «علیه السلام» فرمود:

ثروت، سبب اندوههاست.

نیز فرمود:

مال، سرچشمه غمهاست.

۴- حسادت

حسادت و خودخوری، نیز یکی از عوامل غم و اندوه است.

علی «علیه السلام» فرمود:

«حسود، غم و اندوهش فراوان و گناهانش دو برابر است.»

حسود پیوسته مراقب دوستان خویش است، همیشه پیروزیها و موفقیت های آنان جان او را به لب می آورد و روحش را آزار می دهد و زندگی را در کامش تلخ می سازد.

۵- تنبلی

یکی از عوامل حزن، تنبلی است.

علی «علیه السلام» فرمود:

کسی که از کار و کوشش، کوتاهی ورزد، گرفتار حزن و اندوه می شود.

نیز فرمود: از دست دادن فرصت، اندوهی است گلوگیر

۶- بدهی و قرض گرفتن

پیامبر اکرم (ص) فرمود: پرهیز از قرض گرفتن زیرا قرض گرفتن غصه شب و ذلت روز است.

۷- گناه

امام صادق «علیه السلام» فرمود: به درستی که بنده، زمانی که گناهش زیاد شود و عملی که بتواند گناهانش را بپوشاند نداشته باشد خداوند او را گرفتار حزن می کند تا گناهانش را بپوشاند.

امام رضا «علیه السلام» فرمود: احدی از شیعیان ما مرتکب گناه نمی شود جز این که گرفتار غم و اندوه می گردد و در نتیجه، گناهانش از بین می رود<sup>۱</sup>.

به راستی اطاعت نفس و پیروی از هواهای نفسانی، اساس هر رنج و سرچشمه هر گمراهی است.

نیز فرمود: چه بسا شهوت و هوس که غم و غصه طولانی را در پی دارد.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: کسی که چشم به دارایی های دیگران بدوزد همیشه اندوهگین و غمناک خواهد بود و هرگز آتش خشم از دل او فرو نمی نشیند.

نیز فرمود:

«من نظر الی ما فی ایدی الناس طال حزنه<sup>۱</sup>»

کسی که به توانایی های دیگران چشم بدوزد، غم او طولانی خواهد شد.

۸- محرومیت ها

امام علی «علیه السلام» فرمود:

«الفقد احزان<sup>۲</sup>»

محرومیتها موجب اندوهند.

نیز فرمود: «ما فاتک منها فلا تأس علیه<sup>۳</sup>»

برای آنچه از دنیا از دست می دهی تأسف مخور

۹- غم روزی

یکی از عوامل و زمینه های غم و اندوه، «غم روزی» است؛ در حالیکه خداوند متعال، روزی دهنده همه موجودات و برای هر موجودی به اقتضای وجودش، روزی مناسبی قرار داده است.

امام علی «علیه السلام» فرمود: «فکر و اندوه سال آینده را به فکر و اندوه امروز اضافه مکن، بنابراین، رسیدگی به مشکلات هر روز، برای آن روز کافی است. اگر سال آینده جزو عمرت باشد، خداوند هر روز تازه. روزی تازه ای می دهد و اگر از عمرت باقی نباشد، غم و اندوه سودی ندارد.»

امام صادق «علیه السلام» مدتی یکی از اهل مجلس خود را ندید فرمود: فلانی کجاست؟ گفتند علیل است. آن حضرت به عیادت او رفت. او در حال مردن بود. حضرت به او فرمود:

«أحسن ظنک بالله»

«گمان خود را نسبت به خداوند نیکو گردان»

مرد گفت: گمانم به خدا نیکوست، ولی غم من برای دخترانم است!

آن حضرت فرمود: «به آن خدایی که امیدداری حسنات را بپذیرد و گناهانت را ببخشد، برای اصلاح دخترانت به او امیدوار باش<sup>۴</sup>».

۱ - بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، دار احیاء، ۱۴۰۳ ق، چاپ سوم، ج ۷۴، ص ۷۷۳، ج ۷۷، ص ۱۷۲.  
۲ - غررالحکم، گردآورنده: محمدتیمی آمدی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶، چاپ چهارم، ج ۷، ص ۳۱۱.  
۳ - نهج البلاغه، نامه ۲۲.  
۴ - غم و شادی در سیره معصومان، محمود اکبری، قم، صفحه نگار، ۱۳۸۰، چاپ اول، ص ۱۵۱ - ۱۶۸.

- ۱- اصول کافی، ابوجعفر محمدکلینی، تهران، نشر و فرهنگ اهل بیت، ۱۳۴۸.
- ۲- الوافی، فیض کاشانی، اصفهان، مکتب الامام امیرالمؤمنین علی، ۱۳۷۰.
- ۳- بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، داراحیاء، ۱۴۰۳ ق، چاپ سوم.
- ۴- تحف العقول، ابو محمدحسن شعبه بحرانی، تهران، عملیه اسلامیة، ۱۳۶۳، چاپ اول.
- ۵- چکیده‌ی اندیشه‌ها، سیدیحیی برقعی، قم، دارالتبلیغ اسلامی، ج ۱.
- ۶- سنن النبی، محمدحسین طباطبائی، تهران، اسلامیة، ۱۳۶۲، چاپ دوم.
- ۷- قرآن
- ۸- غررالحکم، گردآورنده: محمد تهیمی آمدی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶، چاپ چهارم.
- ۹- غم و شادی در سیره‌ی معصومان، محمود اکبری، قم، صفحه نگار، ۱۳۸۰، چاپ اول.
- ۱۰- کنز العمال، علاء الدین علی متقی هندی، تحقیق: محمود عمرالدمیاطی، بیروت، چاپ اول، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق، چاپ اول.
- ۱۱- مفاتیح الجنان
- ۱۲- میزان الحکمه (همراه با ترجمه‌ی فارسی)، محمد محمدی ری شهری، حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۳، چاپ چهارم.
- ۱۳- نهج البلاغه
- ۱۴- وسایل الشیعه، شیخ حر عاملی.

جهت خرید فایل word به سایت [www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com) مراجعه کنید  
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1  
Directory:  
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application  
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm  
Title:  
Subject:  
Author: win98  
Keywords:  
Comments:  
Creation Date: 3/22/2012 12:30:00 PM  
Change Number: 1  
Last Saved On:  
Last Saved By: hadi tahaghoghi  
Total Editing Time: 0 Minutes  
Last Printed On: 3/22/2012 12:30:00 PM  
As of Last Complete Printing  
Number of Pages: 28  
Number of Words: 7,485 (approx.)  
Number of Characters: 42,671 (approx.)